

مبانی فکری خشونت به سیاق داعش با تمرکز روی پنج اثر اساسی

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.3.3.9

کیوان محمدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۶

چکیده

به دنبال ظهور و افزایش خشونت‌های مذهبی در جهان خصوصاً در منطقه خاورمیانه، پژوهشگران بسیاری درصدد فهم چرایی موضوع برآمدند. یافته‌های این محققان تا اندازه‌ای سودمند و توضیح دهنده‌اند اما به نظر می‌رسد صرفاً از منظری بیرونی و در بستر مسائل اجتماعی خود به موضوع نگریسته‌اند و به سویه‌ها و ریشه‌های الهیاتی و فقهی بروز این خشونت‌ها نپرداخته‌اند. سبک و سیاق این خشونت‌ها از وجود توجیهات فقهی-الهیاتی متصل و مسلح به نص (آیات و احادیث) در ورای این اتفاقات خبر می‌دهند. در این مقاله در صدد آن هستیم تا با روش تفسیری و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی پنج اثر از منابع و مخازن فکری نظریه‌پردازان سلفی-جهادی پردازیم و ریشه‌های فقهی-الهیاتی این خشونت‌ها را مورد واکاوی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: خشونت دینی، فقه، خاورمیانه، داعش، جهادگرایی، الهیات خشونت

مقدمه و بیان مسأله

علی‌رغم انواع خشونت‌ی که تاریخ بشریت به خود دیده است، خاورمیانه شاهد نوعی از خشونت مذهبی است. این خشونت‌ها دو ویژگی بارز دارند؛ نخست اینکه به شدت شرارت بار و دهشتناک‌اند و دوم اینکه به تحریک دین و مذهب صورت می‌پذیرند. لذا این پرسش جدی مطرح می‌شود که چه چیز سبب ظهور این حجم از خشونت شده است؟ منشأ و مخازن فکری این خشونت‌ها کدامند؟ جایگاه دین در این بین جایگاهی مرکزی است. بررسی جاذبه عجیب دین و خشونت برای محققان بسیار جذاب است و سوالات بسیاری را پیش می‌آورد مثلاً چرا به نظر می‌رسد مذهب یا دین به خشونت نیاز دارد؟ یا چرا یک دستور الهی این چنین مورد پذیرش معتقدان قرار می‌گیرد؟ چرا چنین اعمال وحشتناک و ددمنشانه‌ای توسط افرادی انجام می‌شوند که از جهات دیگر افراد پارسا و خوبی هستند، کسانی که غالباً به یک پنداره اخلاقی محکم سر سپرده‌اند؟ اگرچه برخی شاهدان سعی دارند ارتباط مذهب و خشونت را به عنوان یک نابهنجاری و انحراف یا نتیجه یک ایدئولوژی سیاسی یا ویژگی یک شکل جهش یافته از دین یعنی بنیادگرایی تفسیرکنند اما در این پژوهش به دنبال توضیحاتی در مورد تصورات مذهبی نیروهای دینی فعال در خاورمیانه خصوصاً داعش یا به صورت عام سلفی جهادی‌ها هستیم که مستقیماً به آیات و احادیث متصل هستند تا آن الهیات خشونت که پشتوانه این حجم از خون‌ریزی هستند را بیابیم. لذا پژوهش حاضر در نظر دارد با مراجعه به پنج منبع و مخزن فکری سلفی معاصر، علل و عوامل دینی، فقهی و الهیاتی در این منابع را که تمهید لازم برای این دست خشونت‌ها را فراهم می‌کنند واکاوی و تفسیر نماید.

پرسش و فرضیه پژوهش

با توجه به مسأله مطرح شده، در پی یافتن رابطه میان خشونت و منابع و نصوص دینی -

فقهی هستیم یا به عبارت دیگر به دنبال آیات، احادیث یا مفاهیم الهیاتی از دل منابع که توجیه‌گر ۷۲

خشونت دینی شده‌اند، لذا پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

یک. منابع فکری و فقهی این خشونت‌ها کدامند؟

دو. محتوای فقهی این کتاب‌ها و منابع شامل چه مطالبی است؟

سه. این محتوا چگونه خشونت را توجیه کرده و مشروعیت می‌بخشند؟

بسیاری از پژوهش‌های حوزه افراط‌گرایی مذهبی بر عاملیت مدرنیته، جهانی شدن، هویت و... در شکل‌گیری آن تأکید دارند. پژوهش حاضر ضمن تأیید و اذعان به سودمندی و درستی بخشی از این یافته‌ها، به مغفول ماندن یکی از علل مهم این خشونت‌ها که همان بنیان‌های اعتقادی و فقهی خشونت‌های موجود در خاورمیانه است باور دارد. فرضیه این پژوهش این است که منابع فکری سلفی، نصوص و متون دینی، مبانی و ظرفیت‌های واقعی بروز خشونت را دارند و مشروعیت اقدامات خشونت بار گروه‌های رادیکال مذهبی (داعش) را تأمین می‌کند.

روش تحقیق

جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از طریق منابع و کتب موجود در کتابخانه‌ها و بانک‌های مجازی است که برای تحلیل آن‌ها از روش تفسیری بهره گرفته شده است. در علوم طبیعی، تجربه به معنای آزمودن چیزی است که همچون شیء در برابر محقق قرار می‌گیرد. این آزمون تحت کنترل محقق است، یعنی در آزمایشگاه و با استفاده از وسایل معینی به عنوان وسیله آزمایش انجام می‌پذیرد. اما در علوم انسانی - اجتماعی تجربه با زندگی مرتبط است. «تجربه زندگی» مبین آشنایی مستقیم با زندگی است که برخلاف تجربه آزمایشگاهی، تجربه‌ای بی‌واسطه است (پالمر، ۱۳۷۷ : ۱۲۰). منظور از بی‌واسطگی همانا «نحوه ظهور» تجربه زندگی برای آدمی است. در این تجربه وجود هر چیزی از چیستی آن لاینفک است (همان، ۱۲۱). اگر دو نوع راه شناخت یعنی تعلیل و تفسیر از یکدیگر تفکیک شود، در تعلیل، علت‌یابی محور است اما در تفسیر معناکاوی مورد توجه است و در اصطلاح تلاشی است برای روشن کردن و قابل درک کردن یک

موضوع (منوچهری، ۱۳۹۶: ۵۶). در روش تفسیری دسترسی به واقعیت مورد پژوهش از طریق فهم و کشف معناست که مبنای فلسفی آن هرمنوتیک است. اما هرمنوتیک ادر تأویل متون فقهی و دینی^۱ تنش‌هایی هم به همراه دارد، چون عالمان دینی به معانی محض و مطلق معتقدند، حقوقدانان با شیوه درک و فهم واژه‌های حقوقی با توجه به ارجاع به گذشته دست به گریبان‌اند و گویندگان می‌کوشند به رغم تمایزات فرهنگی، ادراکات و کنش‌های جمعی تازه‌تری ارائه دهند. با این حال، این به آن معنا نیست که رویکرد هرمنوتیک ضرورتاً فهم و معنا را به مشتریان خود عرضه می‌کند. هدف دانشمندان هرمنوتیک تبیین شیوه‌های مفهوم‌پردازی فهم و تحول معنایی است (محمدپور، ۱۳۹۶: ۲۲۰). فرایند کشف معنا در خصوص متون مقدس و تفاسیر آن با مشکل ارجاع به گذشته تقدیس شده دست به گریبان است، جایی که در اوج فهم‌های مشترک نوعی تحول معنایی نیز روی می‌دهد. لذا در رویکرد تفسیری معناهای متکثری پدیدار می‌شوند. ما به رغم تفاسیر متعدد، اغلب ناگزیریم معانی خود را یک‌دست کنیم: فهم مشترک. رسیدن به فهم مشترک امری پیچیده و بغرنج است. یکی از شیوه‌های رسیدن به معنا نزد گادامر در شاهکار خود کتاب حقیقت و روش ارجاع به معانی معاصر متن و توجه به شرایط محیطی است. به طور مثال هومر در عصری متفاوت از ارسطو می‌نوشت و باید کوشید معنای هومر را در زمانه خاص خودش فهمید (محمدپور، ۱۳۹۶: ۲۲۱-۲۲۲). در رهیافت تفسیری - تفهیمی زندگی بر حسب «معنا» دیده می‌شود. معنا مقوله بنیادی و فراگیری است که زندگی نهایتاً در لوای آن قابل درک می‌شود. عقلانیت، سنت، عاطفه، ارزش، احترام، عشق، انتقام، نفرت، موفقیت و فایده هریک نوعی از معنا هستند، یعنی آن چیزی که در پس کنش هر کنشگری نهفته است و به آن شکل می‌دهد. البته معنا متعلق به «شخص کنشگر» نیست، بلکه او با تعلق به چنین معنایی یا با عطف به آن عمل می‌کند. معنای هر چیز به نقش آن در نظامی که این معنا جزئی از آن است، بستگی دارد (منوچهری، ۱۳۹۶: ۵۴). لذا در این پژوهش متون مشخصی از منابع فقهی سلفی-جهادی در جریان فرایند درک، تفسیر و کشف معنا قرار می‌گیرند و توسط پژوهشگر معنا کاوی و تفسیر

می‌شوند، تا تعلق معنایی که منجر به بروز کنش خاصی توسط کنشگر جهادی می‌گردد کشف و معنایی شود و نظام معنابخش به کنش‌های جهادی نزد گروه‌های رادیکال مذهبی (در اینجا داعش) کشف و توضیح داده شود.

تحلیل و پردازش فرضیه

بی‌اطلاعی از عقبه فکری داعش یکی از دلایل شگفتی و بهت جوامع ما خصوصاً جامعه دانشگاهی در لحظه ظهور داعش بود. بسیاری می‌پنداشتند که خشونت‌های صادر شده از سوی گروه داعش امر لحظه‌ای و تصمیمی دفعی و هیجانی است در حالی که با مطالعه منابع فقهی و فکری نظریه پردازان سلفی به وضوح هم می‌توان پشتوانه مشروعیت بخش و هم برنامه‌ریزی دقیق پشت قضیه را مشاهده کرد. لذا در این تحقیق به منظور پردازش فرضیه نگارنده، کتاب‌های «مسائل من فقه الجهاد» نوشته ابو عبدالله مهاجر، «تذکره الاستراتیجیه» نوشته عبدالله بن محمد، «هذه عقیدتنا» و «الديمقراطية دين» هر دو نوشته ابومحمد المقدسی و «لماذا الجهاد؟» ابوقتاده الفلسطینی بررسی شده است:

۱. کتاب مسائل من فقه الجهاد

ابو عبدالله مهاجر در کتاب مسائل من فقه الجهاد در ۵۷۰ صفحه مباحث را به گونه‌ای منظم در راستای نوعی مفهوم‌پردازی تاکتیکی چیده است تا در نهایت با شیوه‌ای «تکاملی-انباشتی» به احکام و فتاوایی برسد که بتواند مشروعیت اقدامات و حرکات خشونت بار این گروه را استنباط و استخراج کند و افکار و اعمال جهادی را بر نصوص، احادیث، روایات و متون تفسیری و بالعکس تطبیق دهد. در واقع می‌توان گفت ابومهاجر در رابطه‌ای دیالکتیکی با متن مقدس است، یعنی گاهی متون قدسی و تفسیری توجیه‌گر و مشروعیت‌بخش حرکات خشونت‌بار می‌گردند و گاهی اعمال خشونت بار خواستار متن مناسب می‌شوند.

۱-۱. تصور دوقطبی از جهان زمینه بروز خشونت

نویسنده کتاب بر اساس آیاتی از قرآن دست به نوعی تقسیم بندی می‌زند. ابومهاجر اعتقاد و همکیشان خود را از موهبت مزیتی مقدس برخوردار می‌داند و احساس برگزیدگی و فراتر بودن از دیگران، وی را به کشیدن مرزهایی در اطراف خود و نفی دیگران سوق می‌دهد. دیگران را به خاطر پرستش خدایان دروغین محکوم می‌کند و علیه چنین بی‌ایمانانی دست به خشونت می‌زند. ابومهاجر در فصل اول و در ابتدای بحث با اشاره به آیات زیر:

«أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَفْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ: اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است» پس به هدایت آنان اقتدا کن. بگو: «من، از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی‌طلبم. این [قرآن] جز تذکری برای «جهانیان» نیست» (انعام/۹۰)

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ: و تو را جز رحمتی برای «جهانیان» نفرستادیم، (انبیاء/۱۰۷)

به توجیه و اثبات «جهانی و عالمگیر بودن دعوت» پیامبر می‌پردازد تا به نتایج و استنباطات بعدی خود یعنی تقسیم جهان به دو «قطب یا سرزمین» برسد، لذا با ارجاع به راویانی همچون جابر بن عبدالله^۱، مسلم^۲، ابوهیره^۳ و دیگران به نقل حدیثی از پیامبر البته با اندکی تفاوت در روایت می‌پردازد، وی می‌گوید: من به واسطه چند چیز بر سایر انبیاء برتری یافتم؛ اینکه من بر تمام مخلوقات مبعوث شده‌ام، به وسیله ترس و وحشت دشمنان از من، نصرت یافته‌ام و غنائم برای من حلال است و زمین پاک و محل عبادت و مسجد من گشته و شفاعت روز قیامت به من اعطا

۱. البخاری (۱۶۸/۱)

۲. مسلم (۳۷۰/۱)

۳. مسلم (۳۷۱/۱)

گردیده و ...^۱، که امام نَوَوی^۲ در ترجمه و تفسیر این حدیث از وجوب ایمان به رسالت محمد توسط تمام انسان‌ها و منسوخ شدن تمام ادیان بوسیله آئین اسلام سخن گفته است و ابن تیمیه^۳ در تفسیر این حدیث و آیات پیشین از سیطره رسالت پیامبر بر تمامی انس و جن، عرب و عجم، سلاطین و ملت‌ها سخن گفته و اینکه کسی اجازه سرپیچی آشکار و غیر آشکار را ندارد و همگان ملزم به پیروی و اطاعت از پیامبر هستند.

بر این اساس ابومهاجر به این استنباط می‌رسد که تمام خلق بر اساس این آیات و احادیث به دو قطب «مؤمن و کافر» تقسیم می‌شوند یعنی کسانی که اجابت می‌کنند و کسانی که روگردان می‌شوند. در اینجا باز از جابر بن عبدالله^۴ نقل می‌کند که پیامبر فرمود: [رسالت] محمد مردم را به دو دسته تقسیم کرد و دشمنی میان این دو دسته [مومنان و کافران] به واسطه اذیت و آزار کفار و هجرت مسلمانان از مکه - «دار الکفر» در آن زمان - و بیعت مسلمانان با پیامبر مبنی بر «بیعت [برای] جنگ» با کفار، منعقد گردید و قدرت یافتن مسلمانان در مدینه منجر به تأسیس «دارالاسلام» شد.

۲-۱. تکفیر، هجرت و جهاد در نسبت با دارالکفر یا دارالحرب

«تکفیر»، «هجرت» و «جهاد» سه مفهومی هستند که در بیشتر موارد از سوی اسلام‌گرایان در کنارهم و با هم بیان می‌شوند. اسلام‌گرایان اصل آن را به هجرت پیامبر از مکه به مدینه بازمی‌گردانند و معتقدند که پیامبر اسلام مردم مکه را کافر می‌دانست به همین خاطر از آن‌جا به مدینه «هجرت» کرد و بعدها هم بر علیه مکیان اعلام «جهاد» کرد. در دوره معاصر نخستین بار این مفاهیم را سازمان «التکفیر و الهجره»، سازمان تندرو مصری به کاربرد. آن هم در مورد هر جامعه‌ای که شریعت اسلام در آن اجرا نمی‌گردد. تمام گروه‌های اسلام‌گرا به یک میزان و شیوه

۱. المعجم الكبير (۴۱۳/۱۲)، ابن حبان (۳۷۵/۱۴)، المستدرک (۴۶۰/۲) و ...

۲. صحيح مسلم (۱۳۴/۱)

۳. الفتاوى (۲۳۴/۲)

۴. البخاری (۲۶۵۵/۶)

و همانند هم از این مفاهیم بهره نمی‌برند بلکه دقیقاً اسلام‌گرایان تندرو [داعش] هستند که این مفاهیم را با رویکرد و مواضع سیاسی خود آمیخته‌اند (کرمانج، ۲۰۱۹، ص ۱۸۶).

ابومهاجر از این طریق تدریجاً به توجیه و تبیین دشمنی و جنگ با کفار به وسیله این نصوص و احادیث می‌پردازد و شروع به معناپردازی حول مفاهیمی چون «دارالحرب» یا «دارالکفر» و «دارالاسلام» کرده و بر لزوم هجرت از دارالکفر به دارالاسلام تأکید دارد و اینکه حکم هجرت عمومی به دارالاسلام از دارالکفر به خاطر استمرار و تداوم دلایل و اسباب هجرت همچنان [تا زمان ما] باقی مانده است^۱ و تمام این مطالب را دال بر تقسیم جهان به دو سرزمین «دارالاسلام» و «دارالکفر [حرب]» می‌داند. ابن قیم و جمهور علماء^۲ دارالاسلام را جایی می‌دانند که در آن احکام اسلام (ما انزل الله) جاری باشد حتی اگر اغلب ساکنان آن کافر باشند و دارالکفر را جایی می‌داند که احکام اسلام در آن جاری نیست حتی اگر حاکم آن مسلمان باشد و یا اکثریت ساکنان آن را مسلمانان تشکیل دهند. همچنین ادامه می‌دهد که سرزمینی که در آن قانون بشری حاکم باشد دارالکفر محسوب شده و هجرت از آن واجب است^۳ چرا که هر نوع قانونی غیر از قوانین الهی حکم به آن چیزی است که خدا فرو نفرستاده و ساخته بشر، نامشروع، حرام و موجب فساد می‌باشد. از همین منظر جهادی‌ها هرگونه اعتقاد و همراهی در سیستم‌های دموکراتیک و نظام‌های پارلمانی و انتخاباتی را نامشروع و مصادق آیه:

مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (مائده ۴۴)

می‌دانند و جمهور فقها و علماء از جمله سرخسی، مرداوی و... بر واجب الحرب بودن دارالکفر تا اینکه یا تسلیم شوند و یا پیمان صلح و سازش ببندند و جزیه بپردازند، هم رأی و هم نظر هستند^۴ حتی اگر هیچ آزاری به مسلمین نرسانده باشند.

۱. تفسیر ابن کثیر (۵۴۳/۱) و ...

۲. احکام اهل الذمه (۷۲۸/۲)، شرح السیر الکبیر (۲۱۹۷/۵)، بدائع الصنائع (۱۳۰/۷)

۳. فتاوی و رسائل محمد بن ابراهیم (۱۸۸/۶)

۴. المبسوط (۱۱۴/۱۰)، الانصاف (۱۲۱/۴)، فتح الباری (۲۶۲/۱۲)، احکام اهل الذمه (۸۷۳/۲)

۳-۱. اسلام و گرنه... جنگ

تصاویر خشونت‌آمیز از برخورد میان مؤمنان و غیرمؤمنان همواره در تمام داستان‌های دینی حضور دارند. جنگ و برخورد فیزیکی در بطن تمامی منازعات دینی همچون بخشی تفکیک‌ناپذیر از تاریخ دین قابل مشاهده است. گویا جنگ فرصتی است برای حفظ هویت گروه، از بین بردن دشمن یا قربانی شدن و فداکردن خود یا همان شهادت. جنگ سازوکاری است که با برجسته‌کردن اختلافات میان ما و دیگران، نظم و آشوب، خیر و شر، حقیقت و دروغ انجام می‌پذیرد و نبردی همیشگی و مقدس میان حق و باطل را برپا می‌سازد. حماسه‌های ظلم و تعدی و آزادسازی، روح افراد را متعالی می‌کند و رنج‌های آن‌ها را قابل توضیح و ارجمند می‌کند. در برخی موارد، رنج‌ها ارجمندی و شرافت شهادت را نشان می‌دهند. در چنین مواردی تصاویر جنگ کیهانی، شکست و حتی مرگ را به شکل پیروزی در می‌آورد (یوگنزمیر، ۱۳۹۹: ۲۴۹).

ابومهاجر با ارجاع به آیه:

«سَتَدْعُونَ إِلَيَّ قَوْمٌ أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ»: به زودی به سوی قومی سخت‌زورمند دعوت خواهید شد که با آنان بجنگید یا اسلام آورند (الفتح/ ۱۶)

نتیجه می‌گیرد که فقط دو راه در برخورد با کفار وجود دارد؛ یا جنگ و یا اسلام آوردن و با این تعبیر راه برای خونریزی و جنگ دائمی گشوده می‌شود. در تفسیر آیه:

«فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا: پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کردید، گردن‌ها [یشان] را بزنید. تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید، پس [اسیران را] استوار در بند کشید؛ سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیة [و عوض از ایشان بگیرید]، تا در جنگ، اسلحه بر زمین گذاشته شود (محمد/ ۴).

آورده است که ابن‌کثیر از قول قتاده گفته است که معنای «حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا» در آیه

فوق این است که تا شرک از بین برود یا محارب‌ان اسلحه زمین گذاشته و مشرکان به سوی خدا

توبه کنند. ابومهاجر حدیثی از پیامبر اسلام نقل می‌کند مبنی بر اینکه:

«به من امر شده که با مردم بجنگم تا اینکه شهادتین به جا آورند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و اگر این کار را نکنند خون و مال شان از جانب من مصون خواهد بود مگر به حق، و حساب شان بر خدا است»^۱.

۴-۱. مفهوم «امت» امری فرامرزی جهت مبارزه و احیای خلافت

بنا بر آموزه‌های اسلامی هر کافری که اهل ذمه، سازش و امان نباشد محارب و خوش مباح است و سرزمین آن‌ها دارالحرب محسوب می‌شود حتی اگر فرسخ‌ها از مرزها و سرزمین‌های اسلامی دور باشند و هیچگاه متعرض مسلمانان و اسلام هم نشده باشند. چرا که در خوانش بنیادگرایانه مرزهای ساخته دست بشر ملاک تعیین حدود برای ایمان شناخته نمی‌شود و مفهومی همچون «امت» فراجغرافیایی و نامحدود است.

از نظر داعش نباید هیچ اثر انگشت غربی (اشاره به دوران استعمار انگلیس و فرانسه که در کشیدن نقشه این منطقه دست داشتند /قراداد سایکس-پیکو) بیش از این مدت روی نقشه منطقه باشد بلکه باید مجدداً خلافت حاکم شود و در نهایت به قول رهبر داعش ابوبکر البغدادی اگر مسلمانان قوی باشند دوباره خلافت می‌تواند به اسپانیا برسد و حتی روم را شکست دهد (ویس، حسن، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

۵-۱. جواز «ترور(اغتيال)، آدم ربایی (خطف)، تخریب، به آتش کشیدن و...

آنچه تروریسم اسلامی خصوصاً تروریسم دینی را از انواع دیگر آن متمایز می‌کند ارجاع به متون دینی جهت مشروعیت بخشی به عمل تروریستی و همچنین مقدس پنداشتن اهداف سیاسی است. «ترور» یا همان «ارهاب» در زبان عربی، ریشه‌ای قرآنی دارد و ترساندن دشمنان خدا یکی از اعمالی است که مسلمانان پیشین به آن فرمان داده شده‌اند.^۲ اما ترور نسبت به آنچه

۱. صحیح بخاری (۱۷/۱) و صحیح مسلم (۱۸۷۱/۴) و ...

۲. ...تُرْهِیْبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ ... (الأنفال / ۶۰)

در قرآن آمده است معنایی متفاوت و ذوابعدتری یافته است.

در فصل چهارم ابو مهاجر با استناد به آیاتی از قرآن همانند آیه:

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ إِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ: پس چون ماه‌های حرام سپری شد، مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید؛ پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند، راه بر ایشان گشاده‌گردانید، زیرا خدا آمرزنده مهربان است (التوبه/۵).

به مشروعیت قتل کفار نزد خداوند اشاره می‌کند و این آیه را دلیل جواز «ترور» می‌داند لذا کسانی همچون ابن حجر و دیگران لازمه ترور را کمین، فریب، پنهان‌کاری، جاسوسی و هر کاری که وافی به مقصود باشد می‌دانند. در ادامه ابومهاجر به ذکر نمونه‌هایی از ترور به دستور پیامبر می‌پردازد.

در مسئله نهم ابومهاجر با استفاده از آیه:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِ الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ: اوست کسی که، از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد. گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود، و خدا از آنجایی که تصور نمی‌کردند بر آنان درآمد و در دل‌هایشان بیم افکند، [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان خانه‌های خود را خراب می‌کردند. پس ای دیده‌وران، عبرت بگیرید. (الحشر/ ۲)

مشروعیت تخریب، به آتش کشیدن و بریدن درختان یا هرگونه صدمه زدن و نابود کردن اموال و متعلقات کفار را با هدف زیان رساندن و خوار کردن ایشان یا هر آن چه به مصلحت مسلمانان باشد استخراج می‌کند.

لذا در فصل دهم ابومهاجر با استناد به جواز «اغتيال: ترور» به طریق الاولى به این نتیجه می‌رسد که «خطف: آدم ربایی» مجاز و مشروع است و مشکلی ندارد. وی با استناد به آیه:

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ إِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ: پس هنگامی که ماه های حرام سپری شود، مشرکان را هر جا یافتید، بکشید و به اسیری بگیرید و محاصره کنید و در هر کمین گاهی به کمین آنان بنشینید؛ ولی اگر توبه کردند و نماز را بر پا داشتند و زکات پرداختند، پس آزادشان گذارید؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (التوبه/ ۵)

می‌نویسد که ابن کثیر در تفسیر عبارت «وَحُذُّوهُمْ» در آیه فوق گفته است که آن‌ها را به اسارت بگیرید و اگر خواستید و تمایل داشتید بکشید و در توضیح عبارت «وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ» گفته است که محاصره کردن و بر کمین نشستن به هدف کشتن یا اسیر کردن شان است تا در نگرانی و اضطراب باشند از بیم کشته شدن و یا اینکه اسلام بیاورند.^۱ و به طیف وسیعی از فقها و مفسران از جمله: ابن جریر، ابوالسعود، البغوی، الشوکانی و ... ارجاع داده است و در نهایت عنوان می‌کند: همچنان که از تفاسیر اهل علم فوق الذکر آشکار است این آیه مشروعیت «ربودن» کفار حربی را تضمین و تأمین می‌کند و به آن دستور می‌دهد تا فتنه از بین رفته و دین تماماً برای خدا شود.

۶-۱. جواز کشتن غیر نظامیان با جدیدترین و مرگبارترین سلاح‌ها

هرگاه نام داعش به میان می‌آید تصویری از جدیدترین سلاح‌ها، تجهیزات، ماشین‌آلات جنگی و روش‌های نابودکننده نیز در ذهن شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد هر چه داعش در حوزه اندیشه بنیادگرا و گذشته‌نگر است در حیطه ادوات جنگی مدرن و آینده‌نگر است. در کوچکترین مسائل فقهی، حکمرانی و ... بنا به خوانش خود اجازه ذره‌ای لغزش و عبور از بنیادها و نصوص دینی نمی‌دهد اما همزمان با این رویکرد از نیزه و اسب عبور کرده و از تکنولوژیک‌ترین فناوری‌های

جنگی بهره می‌برد و برای مثال از سلاحی به شدت مرگبار همچون بمب‌های کنارجاده‌ای و خودرویی یا تله‌های انفجاری بسیار مخرب بهره می‌برد.

در فصل هفتم ابومهاجر با استفاده از آیه:

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ: و کسانی که کافر شده‌اند گمان نکنند که پیشی جسته‌اند، زیرا آنان نمی‌توانند [ما را] درمانده کنند. وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ: و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداش آن به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت (الأنفال/۵۹-۶۰)

دستور خداوند به آماده‌سازی نیرو و تجهیزات بر علیه دشمنان را یادآوری نموده با تأکید بر آن بخش از آیه که برآماده‌سازی نیروها به میزان استطاعت و امکان دستور می‌دهد و با استفاده از مفهوم «آلات الحرب» (ادوات جنگی) نزد ابن جریر طبری در تفسیر این آیه و مفهوم «سلاح» نزد جصاص که می‌گوید؛ لفظ «الرمی» در حدیث پیامبر و «قوه» در متن آیه شامل تمام آنچه (انواع سلاح و تجهیزات جنگی و نه صرفاً نیزه و اسب) ما را به غلبه بر دشمن کمک می‌کند می‌شود، به این نتیجه می‌رسد که استفاده از هرگونه سلاح اعم از سلاح‌های کشتار جمعی (حتی اگر منجر به کشته شدن زنان، کودکان و غیر نظامیان شود) مجاز است. چرا که مکحول از راویان حدیث آورده است که پیامبر چهل روز اهل طائف را به منجنیق بست.^۱

۷-۱. جواز مثله کردن

ابومهاجر در فصل یازدهم با استفاده از مفهوم «عقوبت» در آیه:

وَأِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ: و اگر عقوبت کردید،

۱. (طبقات ابن سعد ۲/۱۵۹ - البیهقی الکبری ۹/۸۴ - الترمذی ۵/۹۴)

همان گونه که مورد عقوبت قرار گرفته‌اید [متجاوز را] به عقوبت رسانید، و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است. (النحل / ۱۲۶)

و نظر ابن تیمیه مبنی بر اینکه اگر قصد مقابله به مثل و عقوبت عمل کفار در کار باشد مثله کردن جایز است و همچنین با اشاره به آیه:

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ: هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی می‌کرد که من با شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم بدارید. به زودی در دل کافران وحشت خواهم افکند. پس، فراز گردنها را بزنید، و همه سرانگشتانشان را قلم کنید. (الأنفال / ۱۲) و با روایت از ابن کثیر و اوزاعی و دیگران می‌گوید که معنای این آیه این است که مؤمنان می‌توانند هر عضو از بدن؛ گردن یا مفصل دست و پا و یا انگشتان دشمنان شان را در میدان جنگ قطع کنند. مقصود این است که از هیچ چیز در ضربه زدن به کفار در حین مبارزه اجتناب نکنید.

۸-۱. جواز گردن زدن و حمل سرهای بریده کفار

در فصل دوازدهم ابومهاجر به تفصیل در مورد مشروعیت بریدن سرهای کفار سخن می‌گوید و بایی هم در مورد جواز حمل و انتقال سرهای بریده شده از شهری به شهر دیگر دارد. مفهوم و عبارت مرکزی و مورد تأکید ابومهاجر در آیات اشاره شده توسط او «حَزَّ الرِّقَابِ وَ قَطَعَ الْأَطْرَافَ» است که از آیه:

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ: هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی می‌کرد که من با شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم بدارید. به زودی در دل کافران وحشت خواهم افکند. پس، فراز گردنها را بزنید، و همه سرانگشتانشان را قلم کنید (بزنید). (الأنفال / ۱۲)

برداشت می‌کند و با اشاره به نظر و تفسیر طبری، ثعالبی، قرطبی و بیضاوی به این موضوع

می‌پردازند که دلیل این که خداوند به قتل اشاره نکرده و به زدن گردن اشاره کرده این است که می‌خواسته است شدت و غلظت عمل و کشتن با شنیع‌ترین شیوه را نشان دهد.

مفهوم دیگری که ابومهاجر به آن می‌پردازد مفهوم «مقاصد شریعت» است که با این اصطلاح به توجیه انتقال و حمل اجساد یا سرهای بریده شده کفار محارب می‌پردازد بر این مبنا که چون مقصد و هدف شریعت خوار و خفیف کردن کفار و در نهایت تسلیم و یا نابودی کفر و کافر از روی زمین است پس هر کاری که به برآورده شدن این هدف کمک کند مشروع و مجاز است و هدف وسیله را توجیه می‌کند.

۹-۱. اثخان (مبالغه در کشتن و نابودسازی)

چرایی مبالغه آمیز بودن بسیاری از عملیات‌های داعش همواره مورد پرسش افکار عمومی و حتی محققان بوده است. مارک یورگنزمیر در کتاب تروریسم در اندیشه یکتاپرستی آن را «بزرگ نمایی عمدی خشونت» می‌نامد. (یورگنزمیر، ۱۳۹۹: ۱۸۲) هدف چنین اقداماتی ایجاد وحشت با خوفناک‌ترین روش‌ها است که اکثراً با هدف ارعاب سیاسی انجام می‌شوند. حوادثی سازماندهی شده جهت یک نمایش بهت‌آور و مسحورکننده با کشتاری غیرطبیعی و وحشتناک که صحنه آسیب و تخریب از زخم و خون‌ریزی‌هایی که در یک جنگ یا مجازات اعدام دیده می‌شود فراتر می‌رود.

ابومهاجر مسأله هجدهم را حول مفهوم «اثخان» در آیه ۶۷ و ۶۸ سوره انفال که به معنای مبالغه در کشتن و نابودکردن و چیره شدن کامل است صورت بندی می‌کند. در این جا رأی پیامبر و مفسرانی چون قرطبی و ابن جوزی، بیضاوی و ... بر لزوم تارو مار کردن دشمنان و گردن زدن اسرا به منظور خوار و خفیف کردن دشمن تاکید دارند و نکته اینکه تار و مار و کشتن بر اسیرکردن ارجحیت دارد. اکثر فقها واژه «اثخان» در آیه را حمل بر کشتن همراه با شدت و غلظت بسیار و با حالتی مبالغه‌آمیز می‌دانند که به هدف شکستن هیمنه و هیبت نیروهای دشمن و پرهیز از به اسارت گرفتن مشرکین انجام می‌گیرد و تنها بعد از قلع و قمع خفت‌بار ایشان و اگر

بازمانده‌ای وجود داشته باشد به اسارات گرفته خواهند شد. در ورای مفهوم «اِثخان» است که می‌توان به راز نمایش و تئاترگونه بودن خشونت‌های داعش پی‌برد.

۲. کتاب تذکره الاستراتیجیه

کتاب ۵۵ صفحه‌ای یادداشت‌های استراتژیک نوشته عبدالله بن محمد اندکی پس از کشته شدن اسامه بن لادن در سال ۲۰۱۱ منتشر شد. پروژه اصلی کتاب بازسازی و احیای خلافت تحت عنوان «دولت خلافت اسلامی» است. نویسندگان با ابراز خوشحالی از فرصتی که انقلاب‌های عربی (بهار عربی) برای تثبیت پروژه جهادی به وجود آورده است، آن را پرشی ماراتنی در جریان جهاد که هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد دانسته و این موضوع را از نعمات این انقلاب‌های مُسری در سرزمین‌های عربی می‌داند. یادداشت‌های استراتژیک بن محمد بر داده‌های فقهی کتاب مسائل من فقه الجهاد ابومهاجر تکیه دارد. نویسندگان به استراتژی توانمندسازی طرفداران شریعت اشاره کرده و از انقلاب‌ها تحت عنوان «یوم البعث» نام می‌برد حادثه‌ای که مردان نیرومند اوس و خزرج را از بین برد و زمینه را برای هجرت پیامبر به مدینه و در دست گرفتن قدرت توسط وی فراهم کرد. خلافت قدرتی که ناخواسته و به لطف خدا به نفع اسلام تمام شد. در موضع سلفیه حتی حوادث تصادفی موجود در تاریخ صدر اسلام به عنوان منبع، منشاء و پشتوانه صدور مشروعیت و وجاهت برای عمل خشونت‌بار در زمان حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد. اشاره به «یوم البعث» و الهام گرفتن از آن حادثه تاریخی برای توضیح وضعیت سیاسی پیش آمده در سال ۲۰۱۱ توسط بن محمد همین مسأله را می‌رساند، مجموعه انگاره‌ها، تصاویر و تصورات به وجود آمده از داستان‌ها و موضوعات مطرح شده در متون مقدس و تاریخ اسلام، مواد اولیه و خام برای توجیه نظری خشونت توسط گروه‌های جهادی را به دست می‌دهند.

۲-۱. خلافت مفهوم مرکزی اندیشه جهادی

مفهوم «خلافت» به عنوان مفهومی سیاسی و نیز مفهومی فقهی-الهیاتی مقدس در

اندیشه‌سیاسی گروه‌های جهادی به مفهومی مرکزی در میدان مبارزه بدل گشته که تمام مفاهیم دیگر از «هجرت» تا «تکفیر» از «دارالحرب تا دارالاسلام» و ... را برای مجاهدین معنا می‌بخشد، رؤیای بازگشت و احیای خلافت انگیزه‌ای مضاعف برای مجاهدان جهت توجیه هرنوع خشونت مذهبی است. بن محمد اعاده خلافت را کلان پروژه‌ای می‌داند که توانایی یکپارچه‌سازی امت اسلامی در وضعیت هرج و مرج کنونی را دارد. وضعیتی که به زودی به فروپاشی نظم سایکس پیکو منجر شده و فضاها را بدون کنترلی ایجاد خواهد کرد که بهترین فرصت جهت تأسیس دولت خلافت است. بن محمد با تأسی از اتفاقات صدر اسلام و تصویری ضمنی از ایده مدل موفق و ایده‌آل یا گروه ممتاز پیشرو مورد اشاره سید قطب در ادامه می‌نویسد: اما باید یک نمونه هرچند کوچک اما موفق از خلافت اسلامی برای جلب حمایت و علاقه مسلمانان ارائه دهیم تا از حالت انتزاعی به وضعیتی انضمامی برسیم همانند زمان پیامبر در مدینه که نمونه‌ای از جامعه موفق در عدالت، برابری و حفظ حقوق و منافع عرضه کرد. سیستمی که بتواند حداقل نیازهای اساسی زیستی و امنیتی مردم را فراهم کند چرا که به دلیل جنگ و هرج و مرج طاقت فرسا انتظار مردم هم چیزی بیش از این نیازهای اساسی نخواهد بود و به کمترین‌ها قناعت خواهند کرد.

۲-۲. نظریه دو بازو (یمن و شام) و احادیث مرتبط با آن

شاید بارها این پرسش به ذهن خطور کرده باشد که چرا سرزمین‌های سوریه و یمن سهم بیشتری از درگیری‌ها و منازعات خشونت بار جهادی را به خود اختصاص داده‌اند. بن محمد با ارائه نظریه دو بازو به لزوم و استدلال این موضوع می‌پردازد که مناطقی که شرایط برقراری دولت خلافت را دارند باید از چه خصوصیات برخوردار باشند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف) از نظر سیاسی و حیاتی منطقه‌ای مرده و خالی از اهمیت نباشد و باید بتواند با سرعت به کانون توجه رسانه‌ای تبدیل شود.

ب) این منطقه باید در نزدیکی یا تحت سایه مناطق موثر دینی و مذهبی همچون بیت

المقدس و حرمین شرفین باشد. لازم است پروژه خلافت از نظر جغرافیایی به یکی از این دو

منطقه نزدیک یا با هر دو پیوند داشته باشد تا مشروعیت دینی خود را کسب و حفظ کند همچنان که پیامبر فرمود: خلافت در بیت المقدس ظهور خواهد کرد.

(ج) مکانی باشد که از لحاظ جغرافیایی دفاع نظامی را تسهیل کند مانند کوه و جنگل و باتلاق و بوته‌زار و دارای موانعی باشد که ارتش‌های منظم به راحتی قادر به عبور از آن‌ها نباشند.

(د) بحث امنیت غذایی بسیار مهم است. باید دارای مناطق کشاورزی، رودخانه و دریاچه‌های طبیعی باشد تا زمینه خودکفایی در هنگام محاصره و تحریم را داشته باشد.

(هـ) ماهیت جمعیت‌های کمکی: یعنی ویژگی‌های انسانی منطقه از نظر تدین و شجاعت صبر در برابر سختی‌ها و غیره را باید در نظر بگیریم.

عبدالله بن محمد معتقد است تنها «یمن و شام» تمام این خصوصیات را دارد هر دو منطقه در قلب جهان اسلام و تمام خصوصیات ذکر شده فوق را دارا هستند. یمن در نزدیکی منطقه موثر دینی مدینه و مکه و شام به بیت المقدس نزدیک است.

بن محمد روایت می‌کند که، پیامبر گفت: شما [مؤمنان] نیروهایی را به سوی شام و یمن آماده خواهید کرد. عبدالله برخاست و گفت: یکی را برایم انتخاب کن ای پیامبر! فرمود بر تو واجب است که به شام بروی و به سربازان آن ملحق شوی و اجازه ندهی سرزمینش مورد غدر واقع شود. خداوند برایم سرپرستی شام را برعهده گرفته است. ربیعہ می‌گوید از ابادریس شنیدم که می‌گفت: هرکس خداوند عهده‌دار کارش شود زیان نخواهد کرد. همچنین بخاری نیز حدیثی از ابن عمر روایت کرده است که پیامبر فرمود: پروردگارا بر شام و یمن ما برکت نازل بفرما. همچنین طبرانی در کتاب معجم‌الکبیر خود از ابی‌امامه روایت کرده که پیامبر فرمود: خداوند روی مرا به شام و پشتم را به یمن گردانید و خدا به من گفت: ای محمد! رزق و روزی تو را در روبرویت و مدد و یاری‌گری تو را در پشت سرت قرار دادیم.^۱

۱. سند احادیث: طبرانی در کتاب «مسند الشامیین» جلد ۱، ص ۱۷۲/ ابن عساکر در کتاب تاریخش جلد ۱ ص ۶۲/ ابن حبان در کتاب «صحیح ابن حبان» جلد ۱۶ ص ۲۹۵/ ابوالحسن الربعی در کتاب «فضائل الشام و الدمشق» ص ۴/ الحاکم در کتاب «المستدرک»

۲-۲. اقدامات پروژه خلافت

عبدالله بن محمد استراتژی اقدام نظامی به منظور رسیدن به مرحله پایانی تأسیس دولت خلافت را به سه مرحله تقسیم می‌کند: الف) مرحله بناء ب) مرحله قتال ج) مرحله تمکین یا اقتدار

الف) مرحله بناء را بر پنهان کاری متکی می‌داند لذا «البناء من خلال المعركة» را مطرح می‌کند. ایجاد شبکه‌های نظارتی و ایجاد زیرساخت برای مرحله بعدی از طریق ذخیره‌سازی اسلحه و مهمات با تجارت اسلحه و شبکه‌های قاچاق یا حمله به کاروان‌های نظامی دشمن با هدف کسب سلاح و همچنین نفوذ در دستگاه امنیتی و نظارتی دشمن. پیش‌تر مشروعیت اقداماتی نظیر فریب، نیرنگ، جاسوسی، آدم‌ربایی و... را ابومهاجر در کتاب فقه‌الجهاد یا فقه‌الدما با ارجاع به نصوص، احادیث و روایات توضیح می‌دهد.

ب) مرحله قتال: وقتی مردم از پروژه صلح‌آمیز سرنگونی ناامید می‌شوند پروژه مسلحانه آغاز می‌گردد. باید با هماهنگی تمام جنبش‌های نظامی و سیاسی و رسانه‌ای خود برنامه‌ریزی کنیم تا مردم را پشت سر مجاهدین قرار دهیم. همچنین در این مرحله باید اصول جنگ‌های چریکی را مد نظر قرار دهیم. در این مورد نوشته‌های ابو مصعب السوری بسیار راهگشا خواهد بود. باید نامی متناسب با صحنه کارزار انتخاب کنیم تا موجب تحریک مردم شود مانند اهل لیبی که نام عمر مختار را برای برخی از کارزارهای خود انتخاب کردند.

ج) مرحله تمکین: بن محمد تشخیص این مرحله را بر عهده رهبری دولت خلافت می‌گذارد و می‌نویسد: در این مرحله رهبری پروژه ارزیابی می‌کند که دشمن در آستانه سقوط نظامی در یک منطقه خاص است. لذا با عملیات سریع و همزمان پاکسازی بقایای رژیم قبلی و تسخیر مناطق و کنترل آن‌ها و تعیین شورای حکومتی محلی برای اداره امور اولین قدم در زمینه‌سازی جهت تشکیل دولتی جدید را برمی‌داریم و از همین پایگاه ایجاد شده آموزش و تدارکات لازم را انجام داده و الگویی برای امنیت، نظم و عدالت معرفی می‌کنیم تا قبل از فتح سرزمین‌های بعدی قلوب مردم را فتح کنیم.

۴-۲. تأمین استراتژیک:

نویسنده هدف از اقدامات پیشنهادی در این جا تلاش برای فلج کردن توانایی‌های عملی دشمن برای راه‌اندازی جنگ می‌داند که به آن‌ها کمک می‌کند وارد منطقه شوند. در اینجا عبدالله بن محمد با ارجاع به سیره پیامبر همه اقداماتی را که پیامبر برای بیمه نمودن دولت تازه تأسیس خود در مدینه انجام داد را بیان می‌کند: الف- حفر خندق برای جلوگیری از عبور احزاب متخاصم. ب- سوزاندن نخلستان‌های یهودیان که بدون آن نمی‌توانستند زندگی کنند. ج- اخراج یهودیان از مدینه و بعدها هم اخراج کفار از جزیره العرب به منظور تأمین امنیت جبهه داخلی از تلاش دشمنان برای نفوذ از طریق اقلیت‌های متخاصم که در داخل کشور زندگی می‌کنند. با تأسی از سیره نبوی برای منطقه عربی تحت سلطه «دولت خلافت اسلامی» که از شام تا یمن را در برمی‌گیرد و مهمترین منابع بشری در منطقه را در خود دارد، تأمین استراتژیک شامل حداقل ۳ اقدام می‌شود:

۴-۲-۱. بستن کانال سوئز و تنگ کردن تنگه باب المندب با تأسی از جنگ خندق

نویسنده کانال سوئز را نفرین شده و مانع راه گسترش دولت خلافت عنوان می‌کند و در این مورد می‌نویسد: کانالی شوم که حرکت و در هم آمیختگی و تعامل تاریخی بین قطب‌های منطقه عرب یعنی شام و مصر را تحت تأثیر منفی قرار داده است. بستن این کانال برای انتقال جنگجویان اسلامی از شام به مصر و بالعکس و عدم استفاده دشمن از این معبر استراتژیک و محدود کردن (باریک کردن) تنگه باب المندب باعث درست کردن منطقه حفاظت شده‌ای برای خلافت اسلامی می‌شود. این نوار استراتژیک عمق استراتژیکی برای دفاع از منطقه مادر (مکه و مدینه) ایجاد می‌کند.

۴-۲-۲. نابودکردن صنعت نفت با تأسی از نابودسازی نخلستان‌های یهودیان در

زمان پیامبر

زدن شاهرگ‌های اقتصادی دشمن از استراتژی‌های مهم جنگی از دیرباز بوده و بن محمد نیز

به این امر واقف است و عنوان می‌کند که: روح و جان غربی‌ها به نفت خلیج وابسته است. آمریکا ۹۰

۳. برای اطمینان از ثبات این منطقه نیروهای واکنش سریع را تأسیس کرد. کشوری که یک چهارم نفت دنیا را مصرف می‌کند هرگونه تأخیر در تأمین نفت را فلج واقعی توانایی‌های خود محسوب می‌کند. ما باید توانایی از بین بردن هر از چندگاه تولید نفت در خلیج را با یک حضور نسبی داشته باشیم. باید غربی‌ها بدانند که دروازه ورود به سرمایه نفت از ما عبور می‌کند.

۳-۴-۲. اخراج اقلیت‌های متخاصم با تأسی از اخراج یهودیان مدینه

بن محمد برای اثبات منطقی و موجه بودن اخراج اقلیت‌ها به صورتی متناقض هم از تاریخ مسلمانان و هم از اتفاقات سیاسی در زمان نازی‌ها و یا کمونیست‌های شوروی مثال می‌آورد و می‌نویسد: سیره پیامبر در اخراج یهودیان جهت تأمین امنیت مسلمانان و کوچاندن کفار به کلی از جزیره العرب (در زمان خلیفه دوم)، موجه و مشروع بودن این کار را می‌رساند. بیرون کردن مشرکان از سرزمین شام ضرورتی سیاسی، نظامی و فرهنگی است چرا که این اقلیت‌ها زمینه دخالت در امور داخلی دولت خلافت را به بهانه دفاع از اقلیت‌ها و حقوق بشر به قدرت‌های بزرگ می‌دهد. همچنین از نظر نظامی در سایه وجود دشمنی داخلی قادر به برخورد با دشمن خارجی نخواهیم بود.

وقتی به حوادثی همچون کشتار و کوچ اجباری کردهای شنگال، ایزدی‌ها و سایر اقلیت‌ها در محدوده زمانی مسلط شدن داعش بر مناطقی از عراق نظر می‌کنیم، رد پای تاریخی-فقهی این اعمال را می‌توان در متون جهادی به وضوح دید.

۳. کتاب «هذه عقیدتنا» و «دموکراسی؛ یک دین»

با توجه به اینکه این دو کتاب را محمد المقدسی نگاشته این دو را در یک بخش مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم. ابومحمد المقدسی نظریه پرداز فلسطینی الاصل سهم عمده‌ای در تولید ادبیات سلفی جهادی دارد. او جزوه «هذه عقیدتنا» را در زندان نوشته است. «حاکمیت الهی» مفهوم مرکزی این جزوه درون سازمانی است. حاکمیت به مثابه یک مفهوم سیاسی مدرن بیشتر

با حاکمیت عمومی^۱ شناخته می‌شود. حاکمیت عمومی نزد اصحاب قرارداد اجتماعی (هابز، لاک و روسو) یعنی هیچ قانونی مشروعیت ندارد مگر اینکه مستقیم یا غیر مستقیم رضایت مردم مرتبط به آن قانون را با خود داشته باشد (عالم، ۱۳۹۵). اما اسلامگرایان تعریف متفاوتی از حاکمیت دارند. این مفهوم نزد ایشان تحت عنوان حاکمیت الهی یا خدایی به کار می‌رود. سید قطب با استناد به آیه: *إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ* می‌نویسد: حاکمیت منحصر به خداست و هیچ مشروعیتی غیر از آنچه از سوی خدا آمده است وجود ندارد و هیچ کس سلطان کس دیگری نیست چرا که یگانه سلطان هستی خداست (قطب، ۱۹۸۳: ۲۹). نسبت شریعت و حاکمیت الهی همان نسبت قانون اساسی و حاکمیت عمومی در دولت مدرن است با این تفاوت که مبنای مشروعیت شریعت خداوند است ولی مبنای مشروعیت قانون اساسی رضایت و خواست مردم است. باید دانست که این برداشت و تعریف از حاکمیت بر چند مفهوم و باور فقهی دیگر همچون باور به جامعیت، جهان شمولی و برتری اسلام بر تمام ادیان و مکاتب تکیه دارند که خود منشأ مطلق اندیشی و سبب بروز خشونت هستند.

۳-۱. از اصول دین تا نفی هر سیستم حکمرانی بشری

المقدسی در کتاب «هذه عقیدتنا» با استناد به آیات متعدد از مفاهیم «توحید»، «فرشتگان»، «کتب آسمانی»، «روز قیامت» و... و تفسیر خود از این مفاهیم به نفی هرگونه قانون‌گذاری بشری و حکمرانی غیر شرعی می‌پردازد. او می‌نویسد: «خدا واحد است و شریک ندارد. لذا خالق، رب، رازق، مالک و مدبری غیر او نیست و در افعال هم شریکی ندارد. هدف خلقت عبادت خداست لذا حکم و امر خدا شامل امور جهانی و شرعی است و هرگونه که بخواهد و حکمت‌اش اقتضا کند «حکم» می‌کند و ما او را تنها قانون‌گذاری می‌دانیم که شریکی برایش نیست».

نزد اسلامگرایان باور به جامعیت شریعت اسلامی از فرا تاریخی دانستن کتب آسمانی و دستورات آن آغاز می‌شود که خدا در دین و کتاب خود که جامع و تکمیل کننده ادیان پیشین

است هرآنچه که بشر به آن نیاز دارد را آورده است. لذا کسانی که دستورات خداوند را به کار می‌بندند رستگار شده و مبدلان اوامر خداوند گمراه و مستحق عذاب الهی می‌گردند. اصل ثابت و واحد نبوت اجتناب از طاغوت است و پیامبر اسلام آخرین پیامبر و شریعت او شریعت فراگیر و برتر بر سایر شریعت‌هاست تا روز قیامت. هیچ بنده‌ای مؤمن محسوب نخواهد شد مگر از او پیروی کرده و تسلیم امر او باشد:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند. (النساء/ ۶۵)

پیام‌های آخرالزمانی دین همواره از جذابیت‌های خاصی برخوردار بوده است. گاهی انسان را به سکوت در برابر ستم به امید دادخواهی در روز محشر سوق می‌دهد و گاهی مؤمن را به نیابت از خدا و به عنوان ابزار اراده او تجهیز می‌کند که این تجهیز در بسیاری از موارد نمودی خشونت‌آمیز می‌یابد، خشونت‌های خدایگانی که شدت و حدت آن در عمل از کنترل خارج می‌شود. مطرح نمودن قضا و قدر توسط نویسنده، بازی و عمل در مرز میان اختیار فردی و مشیت و تقدیر الهی و وضعیتی متناقض و تأمل برانگیز را بیان می‌دارد. باورمندان به اجل و تقدیر مشخص و محتوم پا در میدان عملیات‌های الهی می‌گذارند و خود را ابزار وقوع مشیت الهی تلقی می‌کنند اما همواره پای تصمیم و اجتهادی فردی در میان است. جمع میان این دو کاری آسان به نظر نمی‌رسد اما آنچه مشهود است مؤمنان به سهولت به نتیجه می‌رسند. در اینجا است که قدرت تصور و انگاره‌های خیالین در واحد و یکسان دیدن اجتهاد و نظری فردی با مشیت الهی رخ می‌نماید. جهادگران قدرت مانور و اختیارات زیادی برای خود قائل هستند اما در همان حال خود را در دایره قدرت الهی و حلقه‌ای از بی‌ارادگی محصور و تسلیم می‌بینند.

۲-۳. دموکراسی از مصادیق کفر

المقدسی در این بخش کفر و مصادیق آن را بنا بر آیات مشخص می‌کند و با اشاره به انواع کفر و مصادیق آن، دموکراسی را مصداق کفر و آیات ذیل می‌داند:

- إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است . و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، با یکدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد، آن هم به سابقه حسدی که میان آنان وجود داشت . و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، پس [بداند] که خدا زود شمار است. (آل عمران / ۱۹)

- وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است. (آل عمران / ۸۵)
لذا تکفیر می‌کند هر کس که به قانون‌گذاری همراه خدا اعتقاد داشته باشد همانند آنچه در دین دموکراسی اتفاق می‌افتد.

۳-۳. جهاد و خروج فریضه‌ای خلل ناپذیر بر شانه‌های طائفه منصوره

المقدسی خود و گروه خود را مصداق طائفه منصوره و مصداق این حدیث پیامبر اسلام می‌داند : «گروهی از امت من تا روز قیامت همواره در راه حق می‌جنگند» و می‌نویسد: احادیث فراوانی مبنی بر عدم ترک جهاد و کنار گذاشتن سلاح‌ها آمده است. این دین ما است ظاهر و باطن، دینی متعادل میان افراط و تفریط، میان جبر و اختیار.

وی می‌نویسد: «بر مؤمن واجب است که جهاد کند و بر امیران بشورد و در گناه با آن‌ها شریک نشود و با کسانی که به خدا کفر می‌ورزند و از خدا سرپیچی می‌کنند در صورت لزوم بجنگد تا بزرگ‌ترین مفسد از مسلمین دفع شود. با از دست دادن امام یا دولت اسلامی در جریان جهاد خللی ایجاد نمی‌شود. خروج بر ائمه کفر و حکام و سلاطینی که شریعت را تغییر می‌دهند یا خود را در قانون‌گذاری با خدا شریک می‌گردانند و با طواغیت شرق و غرب همکاری می‌کنند و

با دوستان خدا دشمن و با دشمنان خدا دوستی می‌کنند واجب است. مبارزه و قتال با مرتد بر جهاد با کافر ارجحیت دارد چرا که حفظ سرمایه بر کسب سود مقدم است. جهاد یک فریضه خلل ناپذیر تا روز قیامت و پایگاه و زمینه محکم قوام و دوام این دین است».

۴-۳. التزام به قوانین بشری شرک است

المقدسی در کتاب «دموکراسی؛ یک دین» پس از ارائه تعریفی فراخ از طاغوت که شامل هر نوع اطاعت از غیر خدا می‌شود. عنوان می‌کند که: «اطاعت در قانون‌گذاری بشری عبادتی است که برای غیر خدا انجام می‌شود و آن شرک است حتی اگر فقط در یک حکم اطاعت کرده باشند». - وَ إِنِ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ: و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرک هستید. (الأنعام/ ۱۲۱)

لذا چون بنده خدا فرمان یافته فقط تسلیم شرع و قانون خدا باشد اطاعت از هر قانون دیگری به هر صورت ممکن چه در دموکراسی به صورت انتخابات باشد یا تعیین نماینده برای خود همگی کفر و شرک است. هر کس این کار را انجام دهد خود را به خدایی مشروع مبدل کرده و از ستمگران و رؤوس طاغوت است.

۵-۳. دین خبیث دموکراسی

المقدسی تمام سیستم‌های بشری را طاغوت دانسته و در توضیح سوره کافرون می‌گوید که مصداق این سوره هر دینی یا سیستمی است که در ضدیت با دین اسلام باشد، اعم از کمونیسم، سوسیالیسم، سکولاریسم، بعثیسم، دموکراسی و سایر رویکردهای ابدایی که انسان‌ها با افکار فروپاشیده خود ساخته‌اند. به نظر وی دموکراسی دینی است که بسیاری از مسلمانان را فریفته است. المقدسی ادامه می‌دهد؛ «حکمرانی مردم» شعاری بیش نیست که بر زمین مانده چرا که حکام و باندهای خانوادگی‌شان یا بازرگانان بزرگ، صاحبان سرمایه و رسانه از طریق آن می‌توانند به قدرت برسند و یا حتی امیر یا شاه می‌تواند هر وقت و هرگونه که بخواهد مجلس را منحل کند. وی ادله قرآنی بسیاری در شرک و کفر بودن دموکراسی ارائه می‌دهد و می‌نویسد: دموکراسی

نتیجه سکولاریسم خبیث و غیرشرعی است. سکولاریسم دکتروینی کفرآلود است که در پی جداسازی دین از زندگی، دولت و حکومت است. دموکراسی حکومت طاغوت و مردم است نه الله.

۴. کتاب لماذا الجهاد؟

عمر بن محمود معروف به ابوقتاده از چهره‌های فکری گروه‌های سلفی جهادی است او اهل اردن ولی اصالتاً فلسطینی است. او در کتاب‌هایش و علی‌الخصوص در کتاب «لماذا الجهاد؟» به صورتی هم نوا با کتاب «دموکراسی: یک دین» افکار و نظرات خود را مبنی بر تکفیر حکام و ضرورت و دلایل جهاد به استناد آیات و احادیث بیان می‌دارد. یکی از دلایل وی برای تکفیر حکام در درجه نخست ورود این حکومت‌ها و دولت‌ها به سازمان‌های بین‌المللی است و در درجه دوم اینکه این حکومت‌ها میان مسلمان و غیرمسلمان هیچ فرقی قائل نیستند این درحالی است که بنا به نص و شیوه پیامبر بین مسلمان و کافر تفاوت‌های حقوقی، اجتماعی و سیاسی فراوانی وجود دارد. دلیل سوم او التزام حکومت‌های بلاد اسلامی یا همان طواغیت منطقه به شریعت کفر و قوانین بشری شرک‌آلود است که یکی از آن‌ها همان مذهب یا دین جدید دموکراسی است و خروج با سلاح و قوا بر علیه ایشان برای جهاد بر هر مسلمانی واجب است.

۴-۱. رسالت حاملان شمشیر و کتاب؛ خون و قلم

به سیاق کتب پیشین، طائفه منصوره در کتاب لماذا الجهاد؟ نیز حامل امانت الهی و در اختیار دارنده کتاب و شمشیر است و این معرفت و قدرت را نه از زمینیان که از سوی خداوند خود دریافت داشته اند لذا خون و قلم به مثابه نماد قدرت و معرفت، مقدس است. قلم برای جلوگیری از انحراف علمی مسلمانان به سبب شبه پراکنی کفار و مسلمانان خائن است و خون نشانه حقانیت راه و مانع تفوق جاهلان و دشمنان. هیچکدام بدون دیگری و به تنهایی کارایی لازم را ندارند. ولی به زعم ابوقتاده در طول تاریخ هرگاه هر دو عامل در کنار هم بوده‌اند دوره‌ای درخشان از شکوفایی دینی را رقم زده‌اند. چراکه پیامبر می‌فرماید: يحمل هذا العلم من كل خلف عدوله، ینفون عنه

تحریر الغالین وانتحال المبطلین وتأویل الجاهلین: «از هر نسلی که می‌آید انسانهای عادل آن نسل این دین را حمل می‌کنند و آن را از تحریر غلوکنندگان و تغییر باطل کاران و تأویل جاهلان دور می‌کنند.»

۲-۴. توجیه جهاد دائمی تا روز قیامت

ابوقتاده جنگ را لازمه کار «جریان حقیقت» می‌داند و می‌نویسد: خداوند همیشه و تا قیامت یک طائفه (طائفه منصوره) را حفظ خواهد کرد که حق و هدایت را همراه با قدرت شمشیر می‌گسترانند. پیامبر می‌فرماید:

«لا تزال طائفة من أمتی یقاتلون علی الحق ظاهرین إلی یوم القیامة:» همیشه گروهی از امت من برای دفاع از حق می‌جنگند و تا روز قیامت پیروز هستند.»

۳-۴. جهادگران نگهبانان علم الهی

ابوقتاده در ادامه می‌نویسد: وارثان پیامبر دو گروه هستند؛ عالمانی که مردم را بسوی حق و هدایت دعوت می‌کنند و چیزی از حق را از مردم پنهان نمی‌کنند همان گونه که خداوند می‌فرماید: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ:» و زمانی که خداوند از اهل کتاب عهد گرفت که حق را برای مردم بیان کنند و چیزی از آن را کتمان نکنند (آل عمران/ ۱۸۷)

گروه دیگر کسانی هستند که از این علم حمایت می‌کنند و آن را در میان مردم که پیرو هوای نفس خود شده‌اند برپا می‌دارند و در راه الله جهاد می‌کنند و بهتر از این کسی است که هر دو فضیلت را داشته باشد (علم و جهاد) که این همان صفت طائفه منصوره است.

۴-۴. حمله به تمام مظاهر دنیای مدرن

ابوقتاده در بیانی اجتماعی- تاریخی و آسیب شناسانه مشکلات اجتماعی و حتی اعتقادی را با عملکرد نظام‌های سیاسی غربی حاکم در خاورمیانه مرتبط می‌داند و می‌گوید: امت اسلام دگرگون شده و در تمام جوانب، دین دچار جهالت گشته و به سبب این جهالت در معصیت، گناه و انواع

بدعت‌ها گرفتار گردیده است. حتی بعضی از این امت به مشرکین پیوسته و دینشان را تبعیت نموده‌اند. انواع کفر و باطل را از علمانیت، دموکراسی، کمونیزم و سوسیالیسم برای مردم نیکو جلوه داده‌اند. ربا را در بین مردم گسترش داده‌اند و زندگی را به گونه‌ای بر مردم دشوار کرده‌اند تا همگان به ربا روی آورند. رذایل را به واسطه فقر انتشار داده‌اند تا راهی جز خبثت برای جوانان نماند و به کارهای زشت و نامشروع جلوه شرعی دادند. مثلاً زندقه، آزادی نام گرفت و داخل شدن در دین طاغوت، دموکراسی و رابطه با کفار، صلح و وحدت ملی نامیده شد. اما شرع و دین خداوند، عقب ماندگی و بازگشت به زمان شتر و شمشیر نام گرفت. زنا کردن زنان، هنرپیشگی و آزادی اختیار گشت و فروختن وطن و سرزمین اسلامی نیز صلح و روابط نیک با کشورهای همسایه لقب گرفت.

۴-۵. حمله به مفاهیم «ملت و شهروند» و ارتداد کسانی که آن را به رسمیت می‌شناسند

ایجاد احساس انزجار دست کم یکی از عناصر تأثیرگذار در احیای حرکت‌های دینی و مذهبی بوده است که ابوقتاده در این کتاب بارها از این شیوه جهت برانگیختن و تحریک جامعه مؤمنان به مقابله استفاده می‌کند و به این صورت استدلال می‌کند که: در سرزمین‌های اسلامی گمراهی و کفر دیگری با نام برادری هم وطنی ترویج نموده‌اند و در قوانینی که این مرتدان به آن حکم می‌کنند آمده است که تحت عنوان «شهروندی» بین افراد یک «ملت» کاملاً مساوات برقرار است و دین و عقیده‌اش نادیده گرفته می‌شود در حالی که آنچه که تمام پیامبران برای دعوت به آن مأمور بودند، برائت از مشرکین می‌باشد همانگونه که خداوند در مورد ابراهیم می‌فرماید:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ»
 «در ابراهیم و کسانی که به او گرویدند الگوی خوبی برای شماست، آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و چیزهایی که غیر از خدا می‌پرستید بیزار و گریزانیم و به شما کفر می‌ورزیم و دشمنی و کینه توزی همیشگی میان ما و شما پدیدار آمده است تا زمانی که به خدای یگانه

ایمان می‌آورید». (الممتحنه/ ۴)

۴-۶. حمله به نظام قضایی، مالی و آموزشی طاغوت

ابوقتاده به صورتی کلی تمام سیستم‌های غیر اسلامی را فاسد و فاقد مشروعیت می‌داند و در پیامی می‌نویسد: ای برادر عزیز آیا نمی‌بینی که وزارت‌های تبلیغاتی چگونه سم زنده را در بین مردم منتشر می‌کنند و بی بند و باری و پستی را ترویج داده و فجور و زنا را نیکو جلوه می‌دهند و مردم را به سوی مذاهب شرکی (سکولاریسم) که باقی مانده و زباله افکار و عقول است، دعوت می‌کنند. سپس بنگر که وزارت‌های دادگستری چگونه به تحلیل حرام و مباح نمودن ناموس مردم و ضایع کردن حقوق و دگرگون کردن امور می‌پردازند. اصلاً چه کسی می‌تواند از طریق محکمه‌های این وزارتخانه، به حق خود برسد یا ظلمی را که به او می‌شود از خود دفع کند؟ سپس به این مؤسسه‌های مالی که دولت آن را اداره می‌کند نگاه کن که تمام اموراتش بر ربای حرام بنا شده است بگونه‌ای که مردم فقط از طریق بانک‌های ربوی می‌توانند اموالشان را حفظ کنند و جز از طریق ربا نمی‌توانند به تجارت بپردازند و این وام‌هایی که در ظاهر برای بهتر نمودن وضع زندگی مردم به آنان داده می‌شود، همگی دارای سود ربوی می‌باشند و آیا نمی‌بینی که وزارت‌های آموزش و پرورش چه بلایی بر سر جوانانی آورده است که از مراکز و مدارس آنها فارغ التحصیل می‌شوند. چه چیزی را به آنها تعلیم می‌دهند و آنان را بر اساس چه فرهنگی تربیت می‌کنند و در تربیت و تعلیم آنان به کدام مسئله اسلامی اهتمام می‌ورزند؟

۴-۷. جهاد برای بازگرداندن عزت و سربلندی

ابوقتاده جهاد را تنها راه برگرداندن عزت و سربلندی امت می‌داند چرا که پیامبر می‌فرماید: هرگاه به معاملات ربوی پرداختید و دم گاوهایتان را برای شخم زمین گرفتید و به زراعت راضی شدید و جهاد در راه الله تعالی را ترک نمودید، الله تعالی ذلتی را بر شما مسلط می‌گرداند که آن را از شما برنمی‌دارد تا اینکه به دینتان بازگردید.» و دین در این حدیث به معنی جهاد است همانگونه که از سیاق خود حدیث و احادیث دیگر روشن می‌شود. ما جهاد می‌کنیم چون جهاد

در حقیقت زندگی واقعی است و خداوند می‌فرماید:

«اَسْتَجِیْبُوا لِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یُحْیِیْکُمْ» «الله و رسول را استجابت کنید زمانی که شما را دعوت می‌کنند به سوی آنچه که شما را زنده می‌کند و به شما حیات واقعی می‌بخشد.» (الأنفال/ ۲۴)

و علما نیز در این آیه حیات را به معنی جهاد تفسیر نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر حول این مسأله شکل گرفت که تحقیقات انجام شده در حوزه تبیین عمل گروه‌های رادیکال مذهبی و کشف دلایل بروز حجم و نوع خشونت‌های اعمال شده توسط این گروه‌ها و خصوصاً پدیده داعش کمک‌کننده و توضیح دهنده بوده‌اند اما در اغلب این تحقیقات از یک مسأله بسیار مهم غفلت شده است و آن هم منابع فکری- فقهی و مخازن توجیه‌گر الهیاتی موجود در پشت جریان‌های جهادی است. کتاب‌ها و جزواتی که همچون یک نقشه راه و منبعی فقهی، مبنایی توجیه‌گر برای خشونت‌هایی است که حتی در آینده قرار است اتفاق بیافتند. منابعی که با دقت سرسام‌آوری مبانی فقهی-الهیاتی جزئی‌ترین عملیات‌ها تا کلان‌ترین استراتژی‌های مرگبار را استخراج می‌کنند. بخشی از شگفتی و شک وارد شده به جامعه و خصوصاً آکادمیسین‌های شرقی و غربی را می‌توان به بی‌خبری و عدم اطلاع از وجود این حجم از ادبیات و متون فقهی خشونت‌خیز دانست. متونی که با نگاهی تقدس‌بخش در پی احیاء و بازگشت به دوران طلایی گذشته هستند اما در اقدامات خشونت‌بار خود از مدرن‌ترین سلاح‌ها و تجهیزات جنگی بهره‌می‌برند. در این دیدگاه شریعت محور بودن دین اسلام و این موضوع که مسلمانان شریعت اسلام را به شیوه خود، جامع، جهان شمول و افضل می‌شمارند مبنای بسیار روشن و یکی از علل آشکار بروز خشونت در تقابل با دیگری غیرمسلمان است. اگر به کتاب‌های بررسی شده در پژوهش حاضر از کتاب ۵۷۰ صفحه‌ای «مسائل من فقه الجهاد» ابو عبدالله مهاجر تا جزوه

۱۷ صفحه‌ای «لماذا الجهاد؟» ابوقتاده الفلستینی نگاهی بیافکنیم متوجه می‌شویم از کوچکترین اقدامات تا ترور، آدم ربایی و کشتار جمعی پشتوانه‌ای فقهی-الهیاتی دارند. مفاهیم بنیادینی چون «تکفیر، جهاد، هجرت، کفر، ایمان، دارالاسلام، دارالکفر، ارتداد و...» مفاهیمی اساسی در الهیات خشونت هستند. نظم جهانی اسلامی مورد ادعای کتاب و یادداشت‌های استراتژی که قرار است بر شانه‌های دولت خلافت اسلامی شکل بگیرد خاطره‌ای ازلی از گذشته اسلامی خاورمیانه است. دوقطبی دیدن جهان ذیل عناوین دارالاسلام و دارالکفر به نظر می‌رسد به هیچ روی گردوغبار کهنگی و گذر زمان بر آن نمی‌نشیند و همواره از دل تاریخ، خشونت‌های دهشتناکی را شعله‌ور ساخته است که جان هزاران انسان بی‌گناه را گرفته و موجب نابودی بسیاری از دستاوردهای مهم بشری می‌شود. به هر روی با بررسی‌های انجام شده در پژوهش حاضر این حقیقت مبرهن است که پدیده داعش و خشونت‌های محیرالعقول این گروه سلفی-تکفیری بر شانه‌های استوار حجم انبوه و فراوانی از منابع فقهی اسلامی یا همان الهیات اسلامی ایستاده است. بر شانه فقهی فقیان اسلامگرایی همچون غزالی، ماوردی، ابن تیمیه و اسلام‌گرایان جدیدتری چون مودودی و سید قطب و نظریه‌پردازان معاصر چون ابو مصعب السوری، عبدالله عزام، ابوبکر ناجی، ابومهاجر، ابوقتاده و ابومحمدالمقدسی تکیه دارد. فرضیه‌ای که در این تحقیق با عنوان الهیات خشونت به آن پرداخته و صحت آن نشان داده‌شد.

فهرست منابع

- ۱- کرمانج، شیرکو، (۲۰۱۹) به سیاسیکردنی ئیسلام، ناوه ندی بلاوکردنه وه ی ئه ندیشه، سلیمانیه
- ۲- ویس، مایکل و حسن، حسن. (۱۳۹۵). داعش؛ گزارشی از درون ارتش وحشت (ترجمه علی پیرحیاتی و ثریا احمدی). تهران: نقد فرهنگ.
- ۳- قطب، سید. (۱۳۷۸) نشانه های راه، مترجم، محمود محمودی، نشر احسان تهران.
- ۴- یورگنزمیر، مارک. (۱۳۹۹) تروریسم در اندیشه یکتاپرستی: افزایش جهانی خشونت مذهبی. مترجم: مجید موحد، محمود علیگو، نشر تیسرا تهران.
- ۵- محمدپور، احمد. (۱۳۹۶) روش تحقیق معاصر در علوم انسانی، نشرققنوس تهران.
- ۶- منوچهری، عباس، (۱۳۹۶) رهیافت و روش در علوم سیاسی، نشر سمت تهران.
- ۷- پالمر، ریچارد، (۱۳۷۷) علم هرمنوتیک، ترجمه: محمد سعید حنائی کاشانی نشر هرمس، تهران.
- ۸- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۹۵) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ بیست و هشتم.
- ۹- مهاجر، ابوعبدالله (۱۴۲۵ ق) مسائل من فقه الجهاد، نسخه مجازی
- ۱۰- بن محمد، عبدالله، (۲۰۱۱) المذکره الاستراتیجیه، موسسه مأسده الاعلامیه، نسخه مجازی
- ۱۱- المقدسی، ابی محمد، (۱۴۱۸ ق) هذه عقیدتنا، منبر التوحید و الجهاد؛ <http://www.tawhed.ws>
- <http://www.almaqdes.net>
- ۱۲- المقدسی، ابی محمد، الدیمقراطیة دین، منبر التوحید و الجهاد؛ <http://www.almaqdes.net>
- <http://www.tawhed.ws>
- ۱۳- الفلسطینی، ابوقتاده، لماذا الجهاد؟ <http://www.almaqdes.net>